

دیده بان‌ها ایستاده می‌خندند

محمد حسن ابو حمزه



دیده بان ها ایستاده می خندند

داستان های طنز دفاع مقدس

نویسنده: محمدحسن ابوحمره

ویرایش: رسول آفتاب

تصویرگر: نسرين رحيمي

صفحه آرا: آمنه فرخی

ناشر: رسول آفتاب

(وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری رسول آفتاب)

چاپ: چاپخانه روزنامه جوان

نوبت و تاریخ چاپ: اول / اردیبهشت ۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰

آدرس انتشارات: قرن ۲۱ - شهرک آزادیه - خیابان ۱۵ خرداد - انتهای پارک ۱۵ خرداد

تلفن: ۰۹۱۹۸۹۳۷۴۶۳ - ۰۲۱ - ۳۶۱۶۱۷۷۷



سرشناسه: ابوحمره، محمدحسن، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: دیده بان ها ایستاده می خندند داستان های طنز ابوحمره / مولف محمدحسن ابوحمره.

مشخصات نشر: تهران: رسول آفتاب، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.

شابک: ۱۰۰۰۰۰ ریال ۸-۰۳-۷۳۶۵-۶۰۰-۹۷۸:

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: داستان های طنز ابوحمره.

موضوع: داستان های کوتاه فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: PIR ۷۹۴۳ ۱۳۹۳ ۱۴۲۵۹ / ۸۶۱۴۲۵۹

رده بندی دیویی: ۶۲/۳۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۶۴۴۶۵

○ فهرست:

صفحه	عنوان
۸	اشاره
۶	اهدای امت فرانسه به جبهه های نبرد باطل علیه حق
۱۶	پیرمردی که یک شبه مُلا شد
۲۶	حاج آقا علی
۳۲	توپ توی زمین دیده بانی
۳۸	مداح پیازی
۴۴	حمله ی شبانه، اما به خانه خودی
۵۰	ماجرای باسواد کردن پدر مسکانه
۵۶	دیده بان ها ایستاده می خندند

اشاره:

جنگ تلخ است و ترسناک. چرا که جان شیرین آدم را می گیرد. اما رزمندگان اسلام نمی ترسیدند و دفاع هشت ساله برایشان دیرین بود.

می دانید چرا؟

چون راز یک معامله ی پر سود را کشف کرده بودند. معامله ی که ر آن جان شیرین را می دادند و جانی شیرین تر می گرفت.

این را از لایه لایه فرآیند پیدا کرده بودند. آن جا که می فرماید: "کسانی را که در راه خدا کشته می شوند، مرده مپندارید. آن ها زنده اند!"

رزمندگان اسلام از وقتی این راز را فهمیده بودند، می گفتند و می خندیدند و مردانه می جنگیدند.

وقتی یکی از آن ها شهید می شد، به هم آریک می گفتند. این کتاب، مجموعه ای از آن خنده ها و شوخ های بامزه است که محمدحسن ابوحمزه با قلم زیبای خود نوشته است.

محمدحسن یکی از همان رزمنده هاست و این قلمش تلفیقی از خاطرات اوست با هنر داستان نویسی اش.

"رسول آفتاب"